

### تداوم بحران: بیکاری

### ده ها هزار کارگر

### در عسلویه بوشهر

اعلام بیکاری ده ها هزار کارگر در منطقه عسلویه در ظرف مدت تنها ۴ سال گوشه ای از عمق بحران خانمان برانداز نظام سرمایه داری وابسته حاکم بر ایران را نشان می دهد. اخیرا دبیر اجرایی خانه کارگر بوشهر با اشاره به رشد شدید میزان بیکاری در استان بوشهر تصریح کرد که در حالی که در گذشته ۶۰ هزار نفر در منطقه عسلویه کار می کردند، اکنون این رقم به ۸ هزار نفر کاهش یافته است. کمالی اضافه کرد: "طی ۴ سال گذشته ۵۲ هزار کارگر در این منطقه شغل خود را از دست داده اند. این کاهش ۹۰ درصدی نیروی کار فعال در یک منطقه کشور در حالی ست که جمهوری اسلامی با تبلیغات کرکننده راجع به راه اندازی طرح

ها و پروژه های جدید در این منطقه لاف می زند. از سوی دیگر دولت احمدی نژاد مزدور که از زمان به قدرت رسیدن مجدد خود با سرعتی بیشتر از دولتهای گذشته به تصویب قوانین و طرح های ضد کارگری پرداخته است، در یک اقدام ضد خلقی به گفته دبیر اجرایی خانه کارگر بوشهر، با اعلام عسلویه به عنوان یک "منطقه آزاد تجاری" در جنوب کشور، کارگران شاغل در این منطقه را از شمول قانون کار خارج کرده و دست کارفرمایان و سرمایه داران رذل و سود جو را برای تشدید استثمار کارگران هر چه بیشتر باز نموده است.

واقعیت این است که در سالهای اخیر، طبقه کارگر ایران در معرض موج گسترده جدیدی از یک هجوم غارتگرانه از سوی سرمایه داران وابسته و رژیم حامی آنها قرار گرفته است. دولت احمدی نژاد مزدور که در ابتدای زمامداری خود با شعار آوردن "پول نفت بر سر سفره کارگران" به عوامفریبی برای مقبول جلوه دادن خود دست زده بود، خیلی زود نشان داد که وظیفه اش همانا باز کردن هر چه بیشتر

دست سرمایه داران در استثمار کارگران، اخراج های فله ای، نابودی و تعطیلی واحد های تولیدی و تبدیل هر چه بیشتر مملکت به بازار وارداتی کالاهای امپریالیستی است. طبیعتا پیشبرد این سیاست، نتیجه ای جز گسترش فقر و بیکاری و به این اعتبار، خانه خراب تر کردن هر چه بیشتر کارگران ندارد. رسوایی رییس جمهور دروغگوی رژیم در افکار عمومی تا حدی ست که در سفر اخیرش به خرمشهر فریاد های خشم "بیکاری، بیکاری" توده های کارگر و زحمتکش حتی یک لحظه هم در جریان سخنرانی او قطع نشد. در حقیقت گسترش بیکاری و در نتیجه فقر و گرسنگی کارگران نتیجه طبیعی بحران ساختاری نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و سیاستهای ست که رژیم پاسدار این نظام ارتجاعی برای تخفیف بحران و سرشکن کردن بار مصایب ناشی از آن بر دوش میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان ما، در پیش گرفته است.

عسلویه تنها جلوه ای از واقعیات وحشتناک حاکم بر حیات و هستی طبقه کارگر ایران را به نمایش گذارده و ماهیت ضد کارگری جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر عیان می کند.

### تقاضا از کمپانیهای آمریکایی برای سرمایه گذاری در ایران

رییس اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی، محمد نهاوندیان در آستانه برگزاری "همایش سرمایه گذاران ایرانی مقیم خارج" اعلام کرد که "اگر شرکت های آمریکایی مایل به حضور در پروژه های بزرگ اقتصادی ایران باشند منعی برای حضور آن ها وجود ندارد." این دعوت از شرکتهای آمریکایی برای حضور در پروژه های بزرگ اقتصادی در شرایطی اعلام می شود که جمهوری اسلامی در طول ۲۰ سال گذشته با گرفتن پزهای توخالی ضد امپریالیستی و بویژه ضد آمریکایی همواره در افکار عمومی مدعی شده که بدلیل ماهیت "ملی" و "مستقل" خود مراوده و ارتباطی با شرکتهای آمریکایی و دولت این کشور ندارد. در حالی که این ادعا به هیچ وجه واقعیت نداشته و ندارد. چراکه با توجه به وابستگی عمیق اقتصاد ایران به امپریالیسم جهانی و نقش برجسته آمریکا به مثابه یک قدرت و سهامدار بزرگ در این نظام، ما همواره شاهد حضور مستقیم و غیر مستقیم کمپانیها و دولت آمریکا در بازار جامعه تحت سلطه مان (از نفت و گاز گرفته تا صنایع پتروشیمی و اتومبیل سازی و ...) بوده ایم.

اخیرا برغم مساله "تحریم اقتصادی" ایران لیستی منتشر شده است که نشان می دهد ۷۴ شرکت امپریالیستی با جمهوری اسلامی مراودات گسترده و طولانی اقتصادی داشته اند. در میان این شرکتها نام چندین شرکت آمریکایی و یا شرکتهای وابسته به آمریکا نیز وجود دارند که در طول ۲۰ سال گذشته و در جریان "تحریم" اقتصادی جمهوری اسلامی با اطلاع دولت آمریکا، با این رژیم در حال معامله بوده اند. روزنامه نیویورک تایمز که این لیست را منتشر کرده اضافه می کند که ۴۶ کمپانی موجود در این لیست همچنان برای تداوم سرمایه گذاریها و معاملاتشان با ایران از دولت آمریکا پول و اعتبارات مالی دریافت می کنند. بنابراین، دعوت رییس اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی از شرکت های آمریکایی برای حضور در ایران تنها می تواند کوششی برای علنی کردن روابط جمهوری اسلامی با آمریکا باشد.



ماشین سرکوب رژیم نقش خواهد بست. این تصویر نشان می دهد که جمهوری اسلامی حداقل سالانه قریب به ۲۰ میلیارد دلار از درآمدهای کشور را صرف تجهیز ماشین جنگی خود می کند و این رقم به طور متوسط یک سوم درآمدهای کل کشور در سالهایی است که بهای نفت در سطح بالایی قرار داشته است. تجهیز جنون آساک نیروهای مسلح از طرف رژیم جمهوری اسلامی نیز در شرایطی صورت می گیرد که قریب به نیمی از مردم تحت ستم ما در زیر خط فقر به سر برده و حتی قادر به سیر کردن شکم خود نمی باشند. البته از رژیمی که دارای ماهیت ضد خلقی است جز این هم انتظار نمی رود.

نکته دوم آن که به موازات انتشار گزارش هزینه های تسلیحاتی جهان، خبرگزاری "بلومبرگ" در گزارشی، بار دیگر از تداوم ورود سلاح ها و تجهیزات نظامی آمریکا به ایران خبر داده است. این خبرگزاری به نقل از مقامات بلند پایه و کارشناسان آمریکایی عنوان کرده است که "حکومت ایران از طریق مالزی، تجهیزات و تکنولوژی نظامی ساخت آمریکا را به دست می آورد"

در ادامه این گزارش آمده که واسطه های مالزیایی با "نقض" مقررات منع تجارت تسلیحاتی ایران، در یکساله اخیر "حجم بیشتری" از این تجهیزات را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده اند. البته دسترسی به سلاحها و تجهیزات جنگی آمریکایی توسط جمهوری اسلامی در طول ۳۰ سال گذشته یک واقعیت عینی بوده و برغم انکارهای طرفین، بارها شواهد آشکاری در اثبات رابطه تسلیحاتی پنهانی بین دو دولت افشا شده است. بطور مثال، همه بیاد دارند که چگونه در جریان افتتاح "ایران کیت" پرده از گوشه ای از روابط نظامی و سیاسی بین جمهوری اسلامی و آمریکا برداشته شد. اکنون نیز مطابق گزارشات "بلومبرگ" رو شده است که "قطعات یدکی" بمبافکن های آمریکایی و "تجهیزات نظامی لازم برای موسسات فعال در صنایع هسته ای و موشکی ایران"، توسط واسطه هایی در مالزی و دوبی به طور مرتب در اختیار مقامات جمهوری اسلامی قرار گرفته است. این گزارش به نقل از یک مقام دادگستری آمریکا اضافه می کند که "حکومت ایران فهرستی از وسایل و تجهیزات نظامی مورد نیاز خود را به واسطه های خارجی می دهد تا آنها از آمریکا و سایر کشورهای که ایران با آنان رابطه ندارد این وسایل را خریداری کنند".

علاوه بر این، روشن شده که برخی از "تجهیزات الکترونیکی" آمریکایی که در اختیار ایران قرار گرفته از همان نوعی است که توسط برخی دار و دسته های مسلح عراق مورد استفاده قرار گرفته اند! وسعت این گزارشات و رسوایی ناشی از آن در حدی است که برخی مقامات آمریکایی بدلیل جلوگیری از رسوایی بیشتر، چند پرونده در این زمینه را به دادگاه های آمریکا برده و مدعی "مجازات" افراد و نهادهایی شده اند که بزعم آنها "تحریم تسلیحاتی" جمهوری اسلامی توسط آمریکا را باصطلاح نقض کرده اند.



**گوشه ای از روابط تسلیحاتی بین "شیطان بزرگ" و "حکومت شر"؟!؟**

صدور تسلیحات آمریکایی به رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. این واقعیتی است که همزمان با انتشار گزارش اخیر "موسسه بین المللی موسوم به "پژوهش برای صلح" در استکهلم، از سوی برخی خبرگزاریها دوباره مطرح شده است. موسسه "پژوهش برای صلح" که مقرش در استکهلم قرار دارد با انتشار گزارشی در مورد میزان تجارت اسلحه در دنیا و در مناطق مختلف اعلام کرده که برغم رکود اقتصادی حاکم بر جهان سرمایه داری، در سال ۲۰۰۹ مبلغی که صرف هزینه های تسلیحاتی در جهان شده از یک رشد ۶ درصدی برخوردار بوده و به عدد نجومی ۱/۵ تریلیون دلار رسیده است. "سام پرلو فریمن" رییس این موسسه اخیرا در مصاحبه ای به توضیح برخی از جوانب گزارش فوق الذکر پرداخته و به وضع جمهوری اسلامی نیز به مثابه یکی از خریداران عمده سلاح اشاره کرده است.

تشریح موقعیت جمهوری اسلامی در بازار سلاح توسط رییس موسسه "پژوهشهای صلح" حاوی یکی دو نکته قابل تعمق در مورد حجم هزینه های تسلیحاتی این رژیم و همچنین خرید سلاحهای آمریکایی توسط جمهوری اسلامی است که در زیر مختصرا به آنها پرداخته می شود. "فریمن" می گوید که جمهوری اسلامی ارقام مربوط به خرید اسلحه در سال ۲۰۰۹ را در اختیار این نهاد نگذاشته، اما این رژیم در سال ۲۰۰۸ مبلغ "۹/۳ میلیارد دلار" را صرف خرید سلاح کرده است. البته فریمن بلافاصله تاکید می کند که این رقم به هیچ وجه ارقام هزینه های تسلیحاتی سپاه پاسداران رژیم را در بر نمی گیرد. او می گوید: "اما تا آن جا که می دانیم این رقم شامل مخارجی که سپاه پاسداران صرف خرید یا تولید اسلحه می کند نیست و مخارج سپاه پاسداران بخش عمده هزینه تسلیحاتی ایران است، بنابر این کل مخارج تسلیحاتی ایران به مراتب بیش از این رقم است."

با توجه به این اطلاعات، اگر ما مخارج تسلیحاتی سپاه پاسداران که گفته می شود "بخش عمده هزینه های تسلیحاتی" جمهوری اسلامی را شامل می شود را در خوش بینانه ترین حالت، مساوی عدد فوق بگیریم، آنگاه تصویری از هزینه های

**مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش!**



## فجایع جنگ عراق از زبان آمار



البته ژنرالهای بلند پایه ارتش آمریکا و از جمله ژنرال تامی فرانکس بارها به اشکال مختلف اعلام کرده اند که "کار" آنها "شمردن جنازه نیست". اظهار نظر وقیحانه ای که بخوبی نشان می دهد آمار وحشتناک مربوط به قربانیان غیر نظامی به هیچ رو کامل نبوده و در شرایط عدم اعلام آمار رسمی کشته شده ها توسط ارتش آمریکا، تعداد قربانیان بسیار بیشتر از این می باشد. همچنین با در نظر گرفتن آمار چشمگیر حاکی از وجود ۳/۵ میلیون آواره و مهاجر عراقی می توان به گوشه دیگری از فجایع و نابسامانیهای وحشتناکی که اشغال عراق توسط ارتشهای امپریالیستی برای مردم محروم و رنج دیده این کشور به بار آورده پی برد.

مطابق همین آمار، از زمان آغاز جنگ تا پایان ماه می امسال ۵۸۷۱ سرباز و پرسنل قراردادی غیر نظامی وابسته به ارتش آمریکا نیز جان خود را از دست داده و بیش از ۳۱۸۲۷ سرباز آمریکایی نیز در درگیریهای نظامی زخمی شده اند.

در بخش دیگری از آمار فوق الذکر به مساله مقایسه میزان صادرات نفت عراق در پیش و بعد از اشغال اشاره شده است. همانگونه که می دانیم درآمدهای نفتی و کلا درآمدهای اقتصادی عراق، سالهاست که تحت نظارت اشغالگران و با تصمیم آنها به مصرف می رسد. آمار آسوشیتد پرس می گوید که میزان صادرات عراق قبل از جنگ ۲ میلیون و ۵۸۰ هزار بشکه در روز بوده و اکنون این رقم به ۲ میلیون ۴۰۰ هزار بشکه بالغ می گردد که در شرایط جنگی فعلی بیانگر پیشرفت قابل ملاحظه ای در حفظ و تداوم بهره برداری از منابع نفتی عراق توسط کمپانیهای امپریالیستی می باشد. یکی از حوزه های که در آمار منتشره نشانگر "پیشرفت" در عراق اشغالی ست مربوط به تعداد تلفنهای موبایل در بازار این کشور می باشد. مطابق آمار آسوشیتد پرس، در حالی که در عراق قبل از اشغال ۸۰۰۰۰ دستگاه تلفن همراه وجود داشت، اکنون بازار این کشور مملو از انواع تلفنهای همراه کمپانیهای بزرگ امپریالیستی ست و تا ژانویه ۲۰۱۰، قریب به ۱۹/۵ میلیون دستگاه تلفن همراه وجود داشته است یعنی در این سالها تقریبا از هر ۳ عراقی ۲ نفر دارای تلفن همراه بوده اند!

البته در آمار دستچین شده توسط آسوشیتد پرس حتی سخنی هم در باره میزان بیکاری، خط فقر، گرسنگی، فحشا، اعتیاد و دزدی و مقایسه آنها با شرایط قبل از اشغال در بین نیست. در این آمار همچنین از ثروتهای بادآورده مشتری از سرمایه داران زالو صفت و خدمتگزاران حکومت دست نشانده آمریکا در عراق در مدت نامبرده، که به قیمت نابودی زندگی توده های زحمتکش این کشور حاصل شده نیز نشانی در دست نیست.

شرایط جهنمی فوق تنها جلوه هایی از نتایج واقعی اشغال عراق توسط ارتش آمریکا و متحدینش را به نمایش می گذارد. اشغالی که نه برای برقراری "آزادی" و "دمکراسی" به جای دیکتاتوری رژیم ضدخلفی صدام حسین در عراق، بلکه به منظور تثبیت حضور مستقیم ارتشهای امپریالیستی در این منطقه و پیشبرد برنامه های طولانی مدت و استراتژیک امپریالیستها سازمان یافته است.

لشکرکشی نظامی امپریالیستها به عراق و اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳ که تحت نام برقراری "دمکراسی" و "حقوق بشر" برای توده های محروم عراقی صورت گرفت، برای اکثریت مردم تشنه آزادی و عدالت واقعی در طول ۸ سال گذشته جز مرگ و نیستی و فقر و بیکاری و سرکوب ارمغانی در بر نداشته است. نابودی اکثر زیر ساخت های اقتصادی و اجتماعی و نظامی و فرهنگی در جریان جنگ توسط ارتش اشغالگر آمریکا و متحدینش، و تبدیل این کشور به یک اردوگاه نظامی و جنگی برای پیشبرد منافع استراتژیک امپریالیستها، نه تنها دمکراسی و حقوق بشر برای مردم عراق به بار نیاورد بلکه زندگی مشقت بار مردم را هر چه بیشتر در مرداب جنگ و کشتار و ترور و فقر و گرسنگی و بیکاری فرو برد.

اخیرا خبر گزاری آسوشیتد پرس با انتشار یک سلسله آمار در مورد وضعیت کنونی عراق تحت نام "آمار کلیدی از ابتدای جنگ" کوشیده است تا اوضاع مرگبار ناشی از اشغال ۸ ساله این کشور را یک اوضاع بهبود یافته از نظر تامین امکانات اجتماعی و اقتصادی مردم عراق جلوه دهد. اما با وجود این کوشش مذبوحانه، با نگاهی به درج گزینشی برخی آمار و ارقامها که معلوم نیست با چه مکانیزمی دستچین شده اند، بازهم می توان و به گوشه ای از اوضاع فاجعه بار جاری در عراق، زیر سلطه سرنیزه های ارتش اشغالگر و یک حکومت دست نشانده در این کشور پی برد.

آمار آسوشیتد پرس بدون اشاره به کل تلفات غیر نظامی از آغاز جنگ در عراق، اشاره می کند که این رقم در ماه می امسال ۲۷۸ نفر بوده است. یعنی به طور متوسط تنها در این ماه بیش از ۹ نفر غیر نظامی در عراق هر روز جان خود را از دست داده اند. آماري که بخودی خود نشانگر درجه امنیت و آزادی ست که در سایه سلطه ارتش آمریکا، عاید مردم عراق و بویژه زحمتکشان این کشور شده است. البته اگر کل تلفات رسمی "ثبت" شده در این زمینه از ابتدای اشغال را در نظر بگیریم، معلوم می شود که بیش از ۱۰۵ هزار تن از مردم عراق در جریان لشکر کشی خونین آمریکا به عراق از سال ۲۰۰۳ تا کنون جان خود را از دست داده اند که قریب به نیمی از آنان کودک و زن بوده اند. مضافا این که در همین مدت ۴۲۸ تن از معلمان و استادان دانشگاه و سایر کارمندان آکادمیک و ۱۴۱ روزنامه نگار نیز ترور و قربانی شرایط پس از اشغال توسط آمریکا شده اند.



## ترور ریسی اداره اماکن بوکان

در ادامه درگیریهای نظامی در کردستان و عملیاتهای مسلحانه در شهر های غرب کشور ، اعلام شد که روز دوشنبه ۲ خرداد ماه جاری یکی از مزدوران شناخته شده رژیم در شهر بوکان مورد تهاجم از سوی ۲ موتور سوار قرار گرفت و با شلیک گلوله کشته شد. نامبرده ، جمال الدین جامهری معروف به حاجی میری ریسی اداره اماکن شهر بوکان بود. وی در اطراف مدرسه ۴ آبان بوکان شهر مورد حمله قرار گرفت و ترور شد.

به نمایش می گذارد که برای حفظ موجودیت منحوسش، راهی جز توسل به شکنجه و زندان و چوبه دار ندارد. جنایات وحشیانه جمهوری اسلامی در حق توده های به پاخاسته، نه تنها ماهیت کثیف و ضد خلقی این رژیم را با عریانی تمام در مقابل دید قرار داده، بلکه بار دیگر این واقعیت را آشکار ساخته که بدون سرنگونی بی چون و چرای این نظام و تمامی دار و دسته های جنایتکارش رسیدن به آزادی امکان پذیر نمی باشد. بیهوده نیست که برغم نمایش سرنیزه های خونین جمهوری اسلامی در ماه های اخیر، توده های انقلابی و بخصوص جوانان شجاع ما همچنان به مقاومت و مبارزه شان برای برافکندن این دستگاه ظلم و سرکوب ادامه داده اند.

نامه سرگشاده اخیر خانواده های زندانیان سیاسی و تداوم مقاومت و مبارزه آنها جلوه ارزشمندی از این حقیقت است. بکوشیم تا با پژواک صدای حق طلبانه آنها، پیکار برای آزادی زندانیان سیاسی و سرنگونی رژیمی که حیانتش با سرکوب و دار و شکنجه و زندان گره خورده را تشدید کنیم.

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اخیرا انتشار نامه سرگشاده خانواده های زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان خیزش های توده ای، بار دیگر توجه افکار عمومی را به وضعیت اسرای در بند و خانواده های رنج دیده آنها جلب کرده است. این نامه در شرایطی منتشر می شود که دیکتاتوری حاکم با تلاش برای قلع و قمع خونین مبارزات توده ها در یکسال اخیر به چنان جنایاتی در حق مردم به پاخاسته دست زده که نظیر آن در طول حاکمیت ۳۰ ساله این رژیم کمتر دیده شده است. دستگیریهای فله ای مردم و بویژه جوانان، ضرب و شتم تا سرحد مرگ در هنگام دستگیری، شکنجه های قرون وسطایی در زمان بازداشت در سیاهچالهایی نظیر کهریزک، گرسنگی دادن تا سرحد مرگ، مجبور کردن زندانیان به ضرب و شتم هم بندیان و خوردن مدفوع و ادرار، تجاوز های وحشتناک به دختران و پسران دلاور دربند و... تنها نمونه هایی از رفتار جنون بار مزدوران جمهوری اسلامی با اسرای دربند بوده است. در خارج از زندانها نیز دژخیمان جمهوری اسلامی با رفتار وحشیانه با خانواده های نگران و رنج دیده دستگیر شدگان، آنها را نسبت به سرنوشت جگر گوشگانیشان در بی خبری کامل نگه داشته و از هیچ گونه توهین و تحقیر و اذیت و آزار این خانواده ها نیز دریغ نکرده اند.

در بخشی از این نامه، خانواده های زندانیان سیاسی با "محکوم" کردن اعدامهای اخیر، خطاب به مقامات حکومت نوشته اند: چرا فرزندانمان را بازداشت کرده اید؟ چرا آنها را در دادگاههای نمایشی حاضر کردید و کمترین اعتنایی به دفاعیات آنها و موکلانشان نشده است؟ چرا آنها پس از ماهها هنوز قادر به ملاقات با وکلایشان نیستند. چرا وکلای آنها از روند بررسی پرونده و نوع اتهامشان بی خبرند؟ چرا برای ماهها آنها را در انفرادی نگه داشته اند و با چشمان بسته مورد بازجوییهای خشن و خسته کننده قرار گرفته اند؟ در بخش دیگری از این نامه آمده است: "برخی (از دستگیر شدگان) را به بهانه هایی که هنوز برای ما روشن نیست به زندانهای مخوف و هولناکی چون رحابی شهر فرستاده اند و عده ای معدود را با وثیقه های چند صد میلیون تومانی به مرخصی فرستاده اند. مرخصی هایی که گاه از زندان سخت تر و جانکاه تر است. همه ما در بلا تکلیفی به سر می بریم."

آنچه که در نامه فوق آمده تنها جلوه کوچکی از رفتار وحشیانه ای ست که دژخیمان جمهوری اسلامی در مواجهه با توده های به پاخاسته و بویژه جوانان دلاور ما مرتکب می شوند.

نامه سرگشاده خانواده های زندانیان بیانگر صدای حق طلبانه و روحیه بالای مبارزاتی آنهاست. و این در شرایطی ست که اکثریت خانواده های زندانیان سیاسی به دلیل شرایط اختناق و سرکوب، امکان اعتراض نیافته و فریاد خشم و تظلم خواهی آنها در گلو خفه می شود. جمهوری اسلامی با ارتکاب به جنایات وحشیانه در زندانها و نمایش وحشیگریهای خود در افکار عمومی و با سرکوب عریان می کوشد تا قدرت خود را به رخ توده ها کشیده و برای جلوگیری از سیل مبارزه حق طلبانه ای که شیشه عمر این رژیم را هدف گرفته، عمر منحوس نظام استعمارگرانه حاکم را چند صباحی طولانی تر کند. اما از جنبه دیگر، این نمایش ردیانه سرکوب و قهر تنها ضعف و بوسیدگی حکومت ارتجاعی ای را

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

آدرس پست الکترونیک: [ipfq@hotmail.com](mailto:ipfq@hotmail.com)

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

